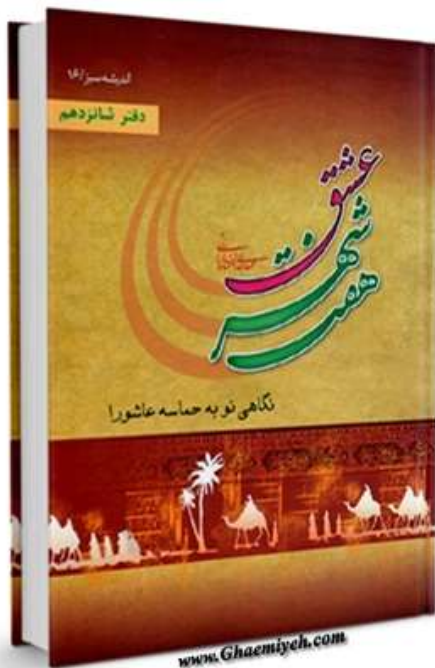




مرفی کتاب

۱- هفت شهر عشق : نگاهی نو به

حماسه کربلا



هفت شهر عشق: نگاهی نو به حماسه کربلا
خدامیان آرانی، مهدی
واقعہ کربلا، ۶۱ق
حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق
کتابنامہ
۸-۲۲۸-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸ISBN
مشعر
۱۳۸۹
۲۰۴ ص.
۱۳۸۹ ۷ ۳۶ خ / ۵/۴۱BP
۵ ۳۸۲ خ ۹۵۳۴ / ۲۹۷
978-964-540-228-8
978-964-540-228-8
کتاب

عنوان
پدیدآور اصلی
موضوع

شرح

ناشر

تاریخ اثر

مشخصه ظاهری

شماره بازیابی

شابک / شابا

نوع



معرفی کتاب

هر سال با فرا رسیدن ماه محرم، مادرم لباس سیاه به تنم می‌کرد و مرا به حسینیه می‌فرستاد تا برای امام حسین علیه السلام، عزاداری کنم. زمانی که بزرگ شدم، همیشه به دنبال کسی بودم که همه حوادث کربلا را از اوّل تا آخر برایم تعریف کند. اما از هر کسی می‌پرسیدم، فقط قسمتی از این حادثه بزرگ را به خاطر داشت.

سال‌ها گذشت تا سرانجام تصمیم گرفتم با مطالعه و تحقیق و مراجعه به متون معتبر تاریخی، به بررسی حماسه عاشورا بپردازم. این کتاب، نتیجه همان بررسی‌های انجام شده است که به کمک خود امام حسین علیه السلام، توانستم آن را به رشته تحریر درآورم.

اکنون آماده شوید تا با کاروان امام حسین علیه السلام همراه شویم و از مدینه به سوی مکه حرکت کنیم و بعد از آن نیز، حوادث مسیر مکه تا کربلا و حماسه عاشورا را از نزدیک ببینیم؛ همچنین با داستان قهرمانی حضرت زینب علیها السلام، در سفر کوفه و شام، آشنا شویم.

سفر ما از مدینه شروع می‌شود و به مدینه پایان می‌پذیرد. در واقع، ما در این سفر به هفت شهر عشق سفر می‌کنیم: مدینه، مکه، کربلا، کوفه، شام، کربلا، مدینه.

این کتاب را به امام حسین علیه السلام هدیه می‌کنم؛ به امید آنکه روز قیامت، شفیع من و همه خوانندگان این کتاب باشد.



قسمت زیبایی از کتاب

تا زمانی که معاویه زنده بود، امام حسین علیه السلام ولیعهدی یزید را قبول نکرد و این برای یزید، بزرگ‌ترین خطر است. یزید خوب می‌داند که امام حسین علیه السلام اهل سازش با او نیست. اگر امام حسین علیه السلام در زمان معاویه، دست به اقدامی نزد، به این دلیل بود که به پیمان نامه صلح برادرش امام حسن علیه السلام، پای‌بند بود. در همان پیمان نامه آمده بود که معاویه، نباید کسی را به عنوان خلیفه بعد از خود معرفی کند، اما معاویه چند ماه قبل از مرگ خود، با معرفی جانشین، این پیمان نامه را نقض کرد.

یزید می‌داند که امام حسین علیه السلام هرگز خلافت او را قبول نخواهد کرد، پس برای حل این مشکل، دستور می‌دهد تا این نامه برای امیر مدینه (ولید بن عتبه) نوشته شود: «از یزید به امیر مدینه: آگاه باش که پدرم معاویه، از دنیا رفت. او رهبری مسلمانان را به من سپرده است. وقتی نامه به دست تو رسید حسین را نزد خود حاضر کن و از او برای خلافت من بیعت بگیر و اگر از بیعت خودداری کرد او را به قتل برسان و سرش را برای من بفرست.